

گزارشی از تظاهرات ایستاده در اعتراض به کشتار مردم ایران در لندن !

در ادامه رشته حرکات اعتراضی بر علیه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی و در دفاع از خیزش حق طلبانه توده های بجان آمده از مظلوم رژیم، روز یکشنبه ۵ جولای ۲۰۰۹ تظاهرات دیگری در مقابل سفارت خانه دیکتاتوری حاکم بر ایران در لندن برگزار شد.

در این تظاهرات نیروهای چپ متشکل از برخی سازمانها، نیروها و کمیته های دمکراتیک و افراد مستقل شرکت داشتند که بدون وقفه با سردادن شعارهای رزمنده بر علیه کلیت رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی به زبانهای انگلیسی و فارسی به افشای جمهوری اسلامی پرداخته و کشتار مردم بیدفاع را محکوم نمودند. از جمله شعارهای این حرکت "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته نابود باید گردد"، "زندانی سیاسی به همت توده ها آزاد باید گردد"، "کشتار و شکنجه در ایران باید متوقف شود"، "قربانی شدن زنان باید متوقف شود"، "مرگ بر سه جانی، خامنه ای موسوی رفسنجانی"، "مرگ بر خامنه ای، مرگ بر موسوی، مرگ بر جمهوری اسلامی"، "تمامی کارگران و دانشجویان زندانی باید آزاد شوند" و "جمهوری اسلامی، رژیم ارتجاعی، مرگت فرارسیده" و ... بود .
فعالین چریکهای فدایی خلق در لندن با بنر ها و پلاکارد های خود در این تظاهرات شرکت داشتند.



نکته ای که در حاشیه این تظاهرات قابل توجه بود عبارت از آن بود که در اواخر تظاهرات، از سوی یکی از مسئولین جریان "حزب کمونیست کارگری" و همچنین فرد دیگری اعتراضاتی نسبت به سردادن شعار "مرگ بر موسوی" صورت گرفت که از جمله در شعار

"مرگ بر خامنه ای، مرگ بر موسوی، مرگ بر جمهوری اسلامی" گنجانده شده بود؛ استدلال آنها این بود که "موسوی در قدرت نیست" و نباید بر علیه او شعار داد! این "اعتراض" در شرایطی صورت می پذیرد که همه می دانند موسوی فریبکار کسی ست که نه تنها در یکی از سیاه ترین دورانهای سلطه جمهوری اسلامی ۸ سال نخست وزیر نظام به قول خودش "مقدس جمهوری اسلامی" بوده بلکه از همان آغاز تشکیل "مجمع تشخیص مصلحت نظام" به عنوان یکی از نهاد های قدرتمند جمهوری اسلامی، در آن عضویت داشته و به واقع یکی از چهره های قدرتمند نظام ظالمانه حاکم می باشد. این مهره خدمتگزار و وفادار به نظام ارتجاعی جمهوری اسلامی، کسی است که در جریان قتل عام دهه شصت دستانش تا مرفق به خون هزاران تن از کمونیستها و مبارزین و فرزندان برومند کشور ما آغشته است و همه تلاش اش در این سالها تحکیم پایه های سلطه ضد مردمی جمهوری اسلامی می باشد. موسوی در شرایطی در ارتباط با خیزش توده های بجان آمده سعی کرد خود را قاطی این جنبش نماید که می خواست اعتراضات توده های تحت ستم برای رسیدن به آزادی و دموکراسی را کنترل نموده و با فریب بخشی از مردم انرژی اعتراضی آنها را در چهارچوب اختلافات جناح های درونی طبقه حاکمه به هرز دهد. بنابراین وظیفه نیروهای انقلابی جهت دور کردن مردم از چنین سیاستهای فریبکارانه ای، افشای چهره وی و سیاستهای ضد مردمی دارو دسته اش می باشد. برآستی بدون افشای چهره واقعی وی چگونه می توان انتظار داشت که توهم مردم فریب خورده نسبت به وی در هم بشکند! در ضمن همه می دانند که او کسی ست که رسماً از چماقداران و نیروهای خود در خارج کشور خواسته که صف خود را از صف مخالفین نظام (یعنی توده های انقلابی و نیروهای مبارز) "جدا" سازند و آنها هر کجا که توانسته اند با زور و یا مراجعه به پلیس بر علیه هر کس که از حقانیت مبارزات مردم بر علیه جمهوری اسلامی سخن گفته، اقدام کرده اند. به این ترتیب نیروها و افراد نامبرده با اعتراض به شعار مرگ بر موسوی، نشان می دهند که حتی از توده های آگاه اما تحت ستم و بجان آمده ما که برغم دیکتاتوری وحشتناک حاکم بر جامعه تحت سلطه ما با تمام وجود از تمامیت رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی

و تمامی دار و دسته های فریبکار آن از "اصلاح طلب" گرفته تا "اصولگرا" و ... نفرت دارند و این نفرت را از هر راه ممکن نشان می دهند، فرسنگها عقب ترند. آنها برغم گذاشتن نام "پیشرو" و "آگاه" بر خود بجای تلاش برای زدودن توهّم آن بخش از توده ها که بدلائل مختلف فریب تبلیغات ریاکارانه موسوی و دارو دسته او را خورده اند، خود با عدم افشای موسوی جلاد و فریبکاریهای دار و دسته او، این فقدان آگاهی را تبلیغ کرده و برای آن لفافه های تئوریک نیز می تراشند. امری که کوچکترین قرابتی با پاسخگوئی به وظایف انقلابی در این شرایط نداشته و به توهّم پراکنی نیروهای مرتجع نسبت به موسوی کمک می کند.

در ساعتی که این تظاهرات در مقابل سفارت جمهوری اسلامی جریان داشت دو دسته دیگر نیز بصورت مستقل گرد آمده بودند که یک بخش از آنها پرچم سبز اسلامی برافراشته بودند که اکثرا در مخالفت با احمدی نژاد و گاها خامنه ای شعارهائی سر می دادند. آنها همچنین با سر دادن شعار "مراجع تقلید حمایت حمایت" خواهان حمایت آیت الله های مرتجع "مراجع تقلید"، از حرکت خود بودند. آنها در هر فرصتی هم که شعار نمی دادند با استفاده از بلندگوی بسیار قوی ای که در اختیار داشتند، تلاش می کردند تا با پخش موزیک هایی که تحت سلطه جمهوری اسلامی در ایران پخش می گردد، مانع از انعکاس شعارها و صدای نیروهای سرنگونی طلب و بویژه نیروهای چپ گردند. نکته قابل توجه در مورد آنها که در هفته های اخیر هر جا دستشان رسیده به تهدید و ارباب نیروهای سرنگونی طلب پرداخته بودند، کاهش چشمگیر تعدادشان بود که بطور آشکار نظرها را جلب می کرد.

در تظاهرات اعتراضی اخیر، دسته دیگر را عده محدودی تشکیل می دادند که تعداد پرچمهای سه رنگی که با آرم شیر و خورشید حمل میکردند از تعداد خودشان نیز زیاد تر بود. آنها نیز در گوشه ای تجمع کرده و بر علیه جمهوری اسلامی شعار می دادند.

فعالین چریکهای فدائی خلق ایران در لندن

۱۴ تیر ۱۳۸۸ - ۵ جولای ۲۰۰۹